



مرادی، مهدی و سلمانپور، علی (۱۳۹۶). تاثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۴ (۱۰)، ۳۳-۵۹.

تاثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی

مهدی مرادی^۱ و علی سلمانپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

چکیده

حکمرانی خوب و توزیع درآمد از جمله مباحث مهم مطرح شده در عرصه اقتصاد عمومی و توسعه است. بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخصه‌ی حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کارایی و اثر بخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد معرفی می‌کند. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر ضریب جینی در کشورهای منتخب طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ می‌باشد. بدین منظور با استفاده از رگرسیون داده‌های پانل با اثرات ثابت، از یک سو به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد می‌پردازیم و از سوی دیگر اثر درآمدهای مالیاتی دولت و مخارج مصرفی دولت به همراه نرخ تورم و نرخ بیکاری به عنوان متغیرهای کنترلی بر شاخص توزیع درآمد مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. یافته‌ها نشان می‌دهد، از بین شاخص‌های حکمرانی خوب، همه شاخص‌ها بجز شاخص کنترل فساد به همراه متغیرهای مخارج مصرفی دولت و سهم صادرات از تولید ناخالص داخلی اثر منفی و معناداری بر ضریب جینی کشورهای مورد مطالعه دارند و افزایش در این متغیرها موجب برابری در توزیع درآمد می‌شوند. شاخص کنترل فساد نیز به همراه درآمدهای مالیاتی دولت و نرخ تورم و بیکاری اثر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری توزیع درآمد این کشورها دارند.

کلید واژه‌ها: حکمرانی خوب؛ توزیع درآمد؛ ضریب جینی؛ داده‌های تابلویی.

^۱ - استادیار گروه علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور ، moradi@pnu.ac.ir

^۲ - استادیار گروه علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرنده، (نویسنده مسئول)،
ali_salmanpour@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مساله

فقر گسترده و پایین بودن سهم درآمد فقرا در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و اختلافات درآمدی موجود در دهه‌های اخیر، علاقه اقتصاددانان بخش عمومی را به موضوع توزیع درآمد، تغییرات آن و عوامل مؤثر بر آن را برانگیخته است. از دهه ۱۹۷۰ با افزایش شکاف درآمدی و تحول در آگاهی عمومی به افزایش کیفیت زندگی تأکید شده است. این موضوع ابتدا در کشورهای ثروتمند با تغییر قوانین کار به نفع کارگران و ارائه خدمات رفاهی قابل توجه به نیروی کار، افزایش مالیات از صاحبان سرمایه و ا فشار ثروتمند و ارائه انواع بیمه‌های تأمین اجتماعی برای افراد کم درآمد همراه شد. از این نقطه نظر ایجاد تعادل در الگوی توزیع درآمدها به صورت یکی از اهداف دولت، در سیاست‌گذاری اقتصادی درآمده است. امروزه اهمیت نقش حکمرانان در مسئله توزیع درآمد به حدی است که حتی نظام‌های سرمایه‌داری غربی که معتقد به عملکرد کامل مکانیسم بازار در اقتصاد هستند، هنگام مواجهه با مسئله توزیع درآمد (که دست نامرئی قادر به حل آن نیست) اهمیت نقش دولت را در امور اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهند. بنابراین یکی از عوامل تأثیرگذار بر توزیع برابر درآمد، شاخصه‌های حکمرانی خوب در اقتصاد است. حکمرانی خوب که در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم به ندرت استفاده می‌شد، در طول دهه ۱۹۸۰ با مفهومی جدید ظهور کرد که به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره داشت. این اصطلاح در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه دولت^۱ استفاده شده است. اما در طول دهه‌های بعدی اندیشمندان سیاسی این اصطلاح را برای متمایز کردن آن از دولت به کار گرفتند. در واقع حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را دربر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است که هر سه آنها برای رسیدن به توزیع برابر درآمد و رشد و توسعه اقتصادی ضروری هستند.

از هنگام ظهور علم اقتصاد توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی به سه دوره متمایز قابل تفکیک است. دوره نخست از پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. نظریات اقتصاد کینزی دولت را عامل تصحیح کننده شکست بخش خصوصی می‌دانستند که با طرح‌های عمرانی دولتی و صرفه‌های مقیاس حاصل شده از آن، فرایند توسعه را تسریع می‌بخشید و موجبات توزیع مناسب درآمد در جامعه می‌گردد. اما شرکت‌های دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف پذیری لازم را نداشته، در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و اکثریت آنها زیان ده می‌باشند. در

¹ - Government

دوره دوم و رویکرد مکتب شیکاگو که به اجتماع واشینگتنی معروف شد باور به قدرت بخش خصوصی و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمت‌ها جای تخصیص دولتی منابع را می‌گرفت. طبق این دیدگاه، بخش خصوصی بهترین نتایج را به بار می‌آورد و قیمت‌ها بهترین تخصیص دهنده‌ی منابع هستند. هرگونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بخش خصوصی به وجود می‌آورد حتی در زمینه توزیع درآمد، ضد تولیدی است. نگاه به دولت از عامل توسعه به جدی‌ترین مانع توسعه تغییر یافت. فرض می‌شد که نهاد دولت تحت فشار گروه‌های هم سود، به دستگاه تولید و توزیع افزوده می‌شود. پس هر اندازه دولت کوچکتر شود بهتر است. از آن پس موجی تازه از نظریات و رویکردها آغاز شد. سیاست‌های تعدیل در اواسط دهه ۱۹۹۰ مورد انتقاد گسترده اقتصاددانان نهادگرا و در رأس آنها جوزف استیگلیتز^۱ قرار گرفت. استیگلیتز معتقد است، تعامل سازنده دولت-بازار می‌تواند راه‌گشای موفقیت فرآیند اصلاحات اقتصادی باشد. بر این اساس دولت و بازار نه تنها دو نهاد رقیب نیستند، بلکه دو نهاد مکمل هستند. در واقع دولت به عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز، می‌باید با ایجاد نهادهای کارآمد، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم‌هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا و از این رهگذر به عنوان دست یاری دهنده بازار موجبات رشد و توزیع برابر درآمد را فراهم سازد. تدارک موفقیت آمیز این نهادها تحت عنوان «حکمرانی خوب» مطرح می‌گردد. اگر شعار دوره‌ی اول را دولت، موتور توسعه و دوره دوم را دولت کوچک بدانیم، شعار دوره سوم حکمرانی خوب است. در واقع در دوره سوم ماهیت مسأله تغییر یافت، در دوره‌های پیشین مسأله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی آن) مطرح بود، اما در این دوره مسأله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). هر دوی مفاهیم توزیع درآمد و حکمرانی خوب به تنهایی مورد توجه اندیشمندان قرار داشته است، آنچه تاکنون در مطالعات حوزه بخش عمومی و توسعه اقتصادی کمتر به آن توجه شده، نحوه‌ی ارتباط این دو مقوله‌ی مهم با یکدیگر است. به بیان دیگر، میزان اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر نظام توزیع درآمد تاکنون در هیچ پژوهش داخلی مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است. پژوهش حاضر درصدد شناسایی این رابطه‌ی مهم است و ضمن بررسی اثر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی (مصر، اندونزی، ایران، ترکیه، مالزی، مراکش، عمان، سنگال) به ارزیابی اثرات میزان مخارج مصرفی نهایی و درآمدهای مالیاتی دولت، سهم صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی بر توزیع درآمد با توجه به در دسترس بودن اطلاعات لازم طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۰ در این گروه از کشورها خواهد پرداخت. دلیل انتخاب

^۱ - Joseph Stiglitz

این کشورها از یک سو پیشرو بودن آنها در پیاده‌سازی شاخص‌های اقتصاد اسلامی می‌باشد و از سوی دیگر کشورهای منتخب در این تحقیق، کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که از ساختار دموکراتیک تقریباً یکسان برخوردار می‌باشند، طوری که بتوان یک بسته سیاستی جهت تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب برای اجرای اصلاحات اقتصادی، قضایی، اداری و مدیریتی و همچنین توسعه نهادهای مدنی در راستای کاهش نابرابری را در جوامع آنها ارائه داد. در این راستا این مقاله از پنج قسمت تشکیل شده است. در قسمت بعدی مبانی نظری در زمینه ارتباط میان حکمرانی خوب و توزیع درآمد تشریح شده و در قسمت سوم مطالعات تجربی صورت گرفته در قالب مطالعات داخلی و خارجی بررسی شده است. در قسمت چهارم به برآورد اقتصادسنجی الگو، تجزیه و تحلیل داده‌ها و در نهایت در قسمت پایانی، جمع‌بندی و پیشنهادهای سیاستی بیان خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

بانک جهانی "حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود" تعریف می‌کند (سرور لطیف^۱، ۱۹۹۱). در حالی که بوئینگر^۲ حکمرانی را به عنوان "دولت مطلوب جامعه" تعریف می‌کند (همان منبع)، لاندل - میلزو سراجدین^۳ (۱۹۹۲)، حکمرانی را چگونگی حکومت کردن و فرمان دادن بر مردم و چگونگی اداره و تنظیم امور دولت معنا کرده‌اند. این مسئله به نظام سیاسی یک ملت و چگونگی عملکرد آن در ارتباط با اداره عمومی و قانون برمی‌گردد. بنابراین مفهوم حکمرانی دارای یک بعد سیاسی است. در یکی از گزارش‌های بانک جهانی^۴ (۱۹۸۹) درباره قاره آفریقا، حکمرانی به صورت "اعمال قدرت سیاسی به منظور اداره امور یک ملت" معنا شده است. در یک نشست مشترک از بانک‌داران و موسسات تجاری کامدسوس^۵ حکمرانی خوب را به این صورت تعریف کرد که مهمترین شرط برای دستیابی به رشد اقتصادی و توزیع عادلانه آن در جامعه این است دولت به جای آن که به نفع بخش‌های خاصی از جامعه فعالیت کند باید به کل جامعه خدمت کند.

¹-Sarwar Lateef

²-Boeninger

³-Landell-Mills & Serageldin

⁴-World bank

⁵-Camdessus

شاخص‌های حکمرانی خوب حاصل تلاش سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو زویدو لوباتون^۱ است که یافته‌های موسسات مختلف بین‌المللی مانند آی‌سی‌آر جی^۲، ای‌آی‌یو^۳، بنیاد هریتیج^۴ و خانه آزادی^۵ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی معرفی نموده‌اند. شاخص‌های مذکور نه تنها می‌توانند بلافاصله بر منافع افراد فقیر تأثیر بگذارند (به طور مثال، خدمات بهداشت و خدمات آموزشی)، بلکه از طرفی می‌توانند بر توزیع ظرفیت کسب درآمد خانواده نیز تأثیر بگذارند و موجب شکل‌گیری توزیع مناسب درآمد در طی زمان گردند (کیانگ چو^۶، ۲۰۱۰).

شاخص‌های حکمرانی خوب را می‌توان به صورت زیر بیان کرد (کافمن و دیگران^۷، ۲۰۰۶):

- ۱- حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی^۸: این شاخص بیانگر مفهوم‌هایی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حاکمان از طبقه‌های اجتماعی، فرایندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و مانند آنها است.
- ۲- ثبات سیاسی و مقابله با خشونت^۹: این شاخص به میزان ثبات رژیم حاکم و رهبران آن، درجه احتمال تداوم حیات موثر دولت و تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران فعلی می‌پردازد.
- ۳- کارایی و اثر بخشی دولت^{۱۰}: بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است که شامل مقولات ذهنی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی یا کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی می‌باشد.
- ۴- کیفیت قوانین و مقررات^{۱۱}: بر روی سیاست‌های ناسازگار با بازار تمرکز دارد. سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین، هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش از اندازه تجارت خارجی.

1- Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo.Zoido.Lobaton

2- ICRG: International Country Risk Group

3- EIU: Economist Intelligence Unit

4- Haritage Foundation

5- Freedom House

6- Kiang Chuo

7- Daniel Kufmann, Aart Kraay, Pablo.Zoido.Lobaton

8- Voice & Accountability

9- Political Stability (No Violence)

10- Government Effectiveness

11- Regulatory Quality

۵- شاخص حاکمیت قانون^۱: میزان احترام عملی که دولت مردان و شهروندان کشور برای نهاد هایی قائل هستند که با هدف وضع و اجرای قانون و حل اختلاف ایجاد شده اند.

۶- کنترل فساد^۲: این شاخص مفهومهایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثر بخشی تدبیرهای ضد فساد، تاثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و مانند آنها را اندازه‌گیری می‌کند. سازمان ملل معتقد است حکمرانی خوب تضمین کننده کمینه شدن فساد، احترام به نظر اقلیت‌ها و اقشار آسیب پذیر در انجام تصمیم‌گیری است.

مکانیسم اثرگذاری هر یک از شاخص‌های حکمرانی خوب بر بهبود توزیع درآمد به صورت زیر است:

۱- حق اظهار نظر و پاسخگویی: آزادی‌های مدنی و انتشار آزاد اطاعات که مصادیقی از وجود حق اظهار نظر و پاسخگویی هستند، موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند، که موجب می‌شود، صاحبان کسب و کار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار شوند که این امر، هزینه‌های کسب و کار را کاهش می‌دهد و از این رهگذر، موجب توسعه کسب و کار و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷). افزایش در سرمایه گذاری و رشد اقتصادی موجبات بهبود توزیع درآمد خواهد شد.

۲- ثبات سیاسی و عدم خشونت/ تروریسم: شاخص ثبات سیاسی، نشان دهنده نبود خشونت در جامعه است. بدیهی است، درگیری‌های جناحی، ترور و کودتا و پدیده‌هایی مانند این، با از بین بردن ثبات سیاسی، موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی در یک کشور می‌شود و از این رهگذر موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه و توزیع نابرابر درآمد می‌گردد (خسرو آبادی و همکاران، ۱۳۹۵).

۳- اثربخشی دولت: منظور از اثربخشی دولت، توانایی در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح و لازمه آن برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد است. همچنین بروکراسی‌های شایسته می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی برآیند که این خود ممکن است موجب افزایش سرمایه‌گذاری، تولید بیشتر و رشد اقتصادی و اشتغال بیشتر و بدنبال آن بهبود توزیع درآمد در جامعه شود (برادران شکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷)

1- Rule of Law

2- Control of Corruption

۴- کیفیت تنظیم مقررات: قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد، یکی از مهمترین شاخص‌های است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تأثیر بگذارد، به گونه‌ای که قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه‌اندازی یک کسب و کار به اشکال مختلف هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند و با توجه به بالا بودن هزینه‌های سرمایه‌داران کلان وارد این مسیر شوند، که این خود افزایش بیکاری، افزایش شکاف طبقاتی، فقر و افزایش نابرابری درآمدی می‌شود (برادران شکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷)

۵- حاکمیت قانون: معرف میزان احترام قائل شده توسط شهروندان و دولتمردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده‌اند (بانک جهانی، ۲۰۰۳). همچنین تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها، کلیدی برای هدایت صحیح منابع سرمایه‌گذاری مولد است، که این خود، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و گسترش تولید و اشتغال می‌باشد، که به تبع آن به توزیع بهتر درآمد کمک می‌کند (خسرو آبادی و مکاران، ۱۳۹۵).

۶- کنترل فساد: فساد را عموماً، سوءاستفاده از مناصب دولتی برای تأمین منافع شخصی تعریف می‌کنند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). گوپتا-داووی والونسو-ترمه^۱ (۱۹۹۸) نشان دادند که فساد از راههایی از قبیل کاهش رشد، هدف‌گیری ناکارآمدتر طرح‌های اجتماعی، دسترسی نابرابر به آموزش، انحرافات سیاسی به نفع نابرابری در تملک دارایی، کاهش هزینه‌های اجتماعی و افزایش مخاطرات سرمایه‌گذاری و کاهش سرمایه‌گذاری برای فقرا، نابرابری درآمد و فقر را افزایش می‌دهد (خسرو آبادی و همکاران، ۱۳۹۵). در خصوص ارتباط میان کنترل فساد و توزیع مناسب درآمد هرگز نمی‌توان با قطعیت حکم واحدی صادر کرد. زیرا در کیفیت این ارتباط عوامل متعددی دخیل هستند که گاه به‌عنوان منشأ ایجاد فساد مالی و گاه به‌عنوان نتیجه فساد مالی مطرح شده‌اند. عواملی چون کیفیت بد قوانین و مقررات، دیوان سالاری ناکارآمد، ناکارایی نظام قضایی، فقدان حاکمیت قانون و ... که عمدتاً در کشورهای توسعه نیافته شایع است، می‌توانند کارگزاران بخش خصوصی را ترغیب نمایند تا برای کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سرمایه‌گذاری، به مظاهر فساد مالی روی آورند و موجبات بهبود توزیع درآمد را فراهم آورند. اما از سوی دیگر پدیده‌هایی چون ایجاد اختلال در تخصیص مناسب کالاهای عمومی، هدایت غیر بهینه نخبگان جامعه میان کارآفرینی و رانت جویی، کاهش مشروعیت دولت‌ها در ایجاد نهادهای

^۱ - Gupta- Davoodi and Alonso-Terme.

حامی بازار می‌توانند به عملکرد مناسب هر اقتصادی اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه آسیب رسانده و از این رهگذر موجبات افزایش نابرابری در توزیع درآمد گردد.

بنابراین شاخص‌های حکمرانی خوب می‌تواند موجب بهبود توزیع درآمد و کاهش فقر در کشورهای فقیر شود. زیرا اجرای ظرفیت‌های حکمرانی خوب در درجه اول به علت وجود شاخص «اثر بخشی دولت» که بیانگر کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله است و شامل مواردی همچون کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی که اکثراً در جهت ارائه خدمات اقشار آسیب پذیر جامعه می‌باشد. از طریق ارائه خدمات مناسب و بهتر برای فقرا، موجب کاهش شکاف اقتصادی در بین افراد جامعه می‌شود. همچنین ارتقاء کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی بعنوان شاخصه‌های دیگر حکمرانی خوب موجب افزایش رفاه افراد با سطح درآمد پایین خواهد شد (مشتق خان^۱، ۲۰۰۹). در درجه بعدی از طریق حفاظت از حقوق مالکیت، حاکمیت قانون و سیاست‌های ضد فساد و دموکراسی، که موجب فراهم آمدن بستر مناسب برای فقرا جهت حفاظت از حقوق واقعی این قشر در جامعه، توان اخذ خدمات بهتر از دولت و اطمینان از اینکه که بخش بیشتری از کالاهای عمومی که حق آنهاست، بطور مناسب به این قشر اختصاص خواهد یافت (هاگارد^۲، ۲۰۰۸).

ادبیات نظری موجود و تحقیقات تجربی صورت گرفته در برخی از کشورها گویای این مطلب هستند که مخارج دولتی (مخارج اجتماعی دولت) نیز بر نحوه توزیع درآمد در جامعه تاثیر بسزایی دارد. در اقتصاد بخش عمومی، مخارج دولتی معمولاً به سه دسته تقسیم می‌شوند: مخارج سرمایه گذاری، مخارج جاری و مخارج انتقالی. مجموع دو نوع اول مخارج دولت که بیانگر حضور دولت در اقتصاد است، در توزیع به طور غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند. این گونه مخارج مانند مخارج تعلیم و تربیت، کارآموزی و بهداشت عمومی، وضعیت توزیع درآمد افراد را قبل از این که وارد بازار کار شوند، بهبود می‌بخشد. در بیشتر مواقع، افراد گروه‌های پایین درآمدی، توانایی چندانی برای بهبود درآمد خود ندارند. بنابراین مخارج انتقالی دولت، که در حقیقت پرداخت‌های یک طرفه به گروه‌های پایین درآمدی تلقی می‌شود می‌تواند، به طور مستقیم، تعدیلاتی در توزیع درآمد به وجود آورد.

اثر تورم بر توزیع درآمد نیز در مطالعات تجربی بسیاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. گالی و واندر هون^۳ (۲۰۰۱) با بررسی مطالعات تجربی در این زمینه، نتیجه می‌گیرند که

^۱ - Mushtaq H. Khan.

^۲ - Haggard, S, MacIntyre, A. and Tiede, L.

^۳ -Galli, R., & van der Hoeven, R. (2001).

ممکن است، اثر تورم بر نابرابری به میزان اولیه تورم بستگی داشته باشد. یعنی در شرایطی که سطح تورم بالا است، کاهش تورم، نابرابری را کاهش می‌دهد. اما در سطوح پایین تورم، کاهش بیشتر تورم می‌تواند اثرات مخربی بر توزیع درآمد داشته باشد. بنابراین در پژوهش حاضر، به دلیل بالا بودن نرخ تورم در کشورهای مورد بررسی، انتظار می‌رود نرخ تورم اثر افزایشی بر نابرابر درآمد داشته باشد.

مطالعات و بررسی‌های اقتصادی در بررسی رابطه بین بیکاری و توزیع درآمد نشان می‌دهد، درآمد حاصل از کار مهمترین منبع درآمدی گروه‌ها و خانوارهای فقیر می‌باشد. گوستافسون و جوهانسون^۱ (۱۹۹۹) نشان دادند بیکاری سبب افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌شود، زیرا نرخ بیکاری بالا وضعیت گروه‌های درآمدی پایین را بدتر می‌کند.

به منظور تعیین نابرابری در توزیع درآمدها و مبحث عدالت اجتماعی معیارهای مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در عمل محققان سه شاخص عمده ضریب جینی^۲، شاخص تیل^۳ و شاخص آتکینسون^۴ را مورد استفاده قرار می‌دهند. در بسیاری از مباحث مرتبط با توزیع درآمد استفاده از شاخص ضریب جینی به عنوان ابزاری مفید و روشی کارآمد امری جاری است. این ضریب که به طور مستقیم بر مبنای منحنی لورنز تعریف می‌شود، به دلیل اهمیت و نیز ویژگی‌های مطلوبی که دارد از جنبه‌های مختلف مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته و به عنوان شاخصی برای توزیع درآمد لحاظ گردیده است (جلالی، ۱۳۸۷). ضریب جینی این قابلیت را دارد که برای درآمدهای منفی نیز به کار گرفته شود، قابلیتی که دیگر ابزارهای سنجش نابرابری فاقد آن هستند. این ویژگی زمانی که درباره تغییر در سیاست‌گذاری بر نابرابری بحث می‌کنیم اهمیت می‌یابد چرا که درآمد برخی از خانوارها می‌تواند منفی شود. امتیاز دیگر ضریب جینی و مفاهیم وابسته به آن در مقایسه با سایر ابزارهای سنجش نابرابری آن است که این مقیاس دارای خواص آماری مطلوب شناخته شده تری است و لذا این امکان را فراهم می‌آورد که به ارزیابی معنی‌دار بودن اثر تغییر در سیاست‌ها بر روی نابرابری توزیع درآمد یا مخارج پرداخته شود، قابلیتی که برای اغلب مقیاس‌های دیگر نابرابری توزیع درآمد امکان‌پذیر نیست بعلاوه امکان تجزیه ضریب جینی و تحلیل ضریب جینی تعمیم یافته^۵ نتایج قابل توجهی را برای سیاستمداران فراهم می‌کند. ضریب جینی متعارف حالت خاصی از مجموعه تعمیم یافته تری از

¹ -Gustafsson, B., & Johansson, M. (1999).

² -Gini

³ -Theil

⁴ Atkinson

⁵ -Extended Gini Coefficient

مقیاس‌های سنجش نابرابری است. ضریب جینی تعمیم یافته می‌تواند انعکاس ترجیحات متفاوت (درجه اهمیتی که برای افراد فقیر در نظر گرفته می‌شود) در میان سیاستمداران زمانی که به ارزیابی گسترده نابرابری توزیع درآمد و تأثیر برنامه‌ها و سیاست‌های مختلف بر آن می‌پردازند، باشد.

۲-۲- پژوهش‌های تجربی

مطالعات مختلفی خارجی در زمینه ارتباط بین حکمرانی خوب با توزیع درآمد صورت گرفته که می‌توان به بارو و بوریگنان و موریسن^۱ (۱۹۷۵)، بوس^۲ (۱۹۸۲)، بلانک و بلیندر^۳ (۱۹۸۶)، دنیل کافمن^۴ (۱۹۹۹)، شفیق و حق^۵ (۲۰۰۶)، زینب اکرم^۶ (۲۰۱۱)، اوسلاتی و لبیدی^۷ (۲۰۱۵)، اشاره کرد. در حالی که بین مطالعات داخلی موردی مشابه با هدف مطالعه حاضر یافت نشد. چندین مطالعه داخلی که در ادامه ذکر خواهد شد، فقط به تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر سایر متغیرهای کلان اقتصادی چون رشد اقتصادی و توسعه انسانی پرداخته است.

کناک^۸ (۲۰۰۳) در پژوهشی تحت عنوان، دموکراسی، حکمرانی و توزیع درآمد تلاش نمود تا با ایجاد ارتباط میان دموکراسی، حکمرانی به ارزیابی اثر دموکراسی بر توزیع درآمد بپردازد. از این رو آمار و اطلاعات بین کشوری سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۶ استفاده نموده است. نتایج رگرسیون وی بیانگر اثر مثبت و معنی داری میان درجه دموکراسی نهادها و کیفیت حکمرانی می‌باشد. بنابراین نهادهای دموکراتیک قوی تر حکمرانی را تحت تأثیر قرار داده اند و از طریق کاهش فساد و تسهیل روند تغییرات تکنولوژی، رشد اقتصادی بالاتر و توزیع برابر تر درآمد را محقق می‌سازند.

چانگ و گرادستین^۹ (۲۰۰۴) در مورد تأثیر نهادهای سیاسی و شاخص‌های حکمرانی بر نابرابری درآمد در ۱۲۱ کشور صنعتی و در حال توسعه نشان داده اند که بهبود شاخص‌های حکمرانی به کاهش نابرابری درآمدی منجر می‌شود.

1 -Bourgigan and Morrison

2 -Buse

3 -Blank and Bilnder

4 -Daniel kuofman(1999)

5 -Shafique and Haq

6 -Akram

7 -Oueslati and Labidi

8 -Knack

9 -Chong and Gradstein

شفیق و حق^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ی به بررسی ارتباط حکومت و نابرابری درآمد چهار کشور بنگلادش، هند، پاکستان و سریلانکا و برای مدت زمان ۱۹۹۶-۲۰۰۵ پرداختند. ایشان در پژوهش خود به منظور تجزیه و تحلیل اثرات مجموعه‌ای از ابزارهای حکمرانی خوب بر رفاه اقتصادی استفاده کرده و از روش تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته^۲ به برآورد مدل خود پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که نظم و قانون شرایط را بهبود می‌بخشد و موجب ثبات سیاسی در اقتصاد می‌گردد. در نتیجه محیط مساعد برای سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود. هنگامی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد، این امر موجب بالا رفتن فرصت‌های اشتغال و کمک به بهبود نرخ رشد خروجی و حذف نابرابری می‌شود. بنابراین با توجه به یافته‌های تجربی این مقاله رابطه مثبت بین رشد تولید و بهبود توزیع درآمد در اقتصاد وجود دارد.

اکرم و همکاران^۳ (۲۰۱۱) تاثیر حکمرانی ضعیف و نابرابری درآمد بر فقر در کشور پاکستان را مورد بررسی قرار دادند. برای یافتن آثار بلند مدت و کوتاه مدت حکمرانی ضعیف و توزیع ثروت و درآمد نابرابر بر فقر در پاکستان از تکنیک اتورگرسیو با وقفه‌های توزیعی هم‌انباشتگی^۴ به تجزیه و تحلیل سری‌های زمانی سال‌های ۲۰۰۸-۱۹۸۴ پرداختند. نتایج حاصله نشان دهنده رابطه‌ی قابل توجهی بین متغیرها است، به طوری که حکومت ضعیف و نابرابری درآمد منجر به افزایش فقر می‌گردد. فقر رابطه مثبت و معناداری با نابرابری درآمد (ضریب جینی^۵) در هر دو حالت کوتاه مدت و بلند مدت دارد که این امر نشان می‌دهد، در صورت افزایش نابرابری درآمد، فقر نیز افزایش می‌یابد. فقر در درازمدت، رابطه مثبت و معناداری با حاکمیت ضعیف^۶ داشته، اما در کوتاه مدت آن، تاثیر قابل توجهی در فقر در پاکستان ندارد.

اوسلاتی و لبیدی^۷ (۲۰۱۵) نابرابری درآمدی، حاکمیت و رشد در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (معروف به منا^۸) را مورد بررسی قرار دادند. نمونه تحقیق شامل ۲۲ کشور از منطقه منا در سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ می‌باشد. در این تحقیق، از تخمین زن گشتاورهای تعمیم یافته^۹ پنل

1 - Shafique & Haq

2 - Generalized Method of Moments (GMM)

3 - Akram

4 - Autoregressive distributed lag (ARDL) model

5 - GINI

6 - International Country Risk Guide

7 - Oueslati and Labidi

8 - Middle East and North Africa

9 - Generalized Method of Moments (GMM)

پویا استفاده شده است و داده‌های مورد نیاز از بانک جهانی، شاخص‌های توسعه جهانی و شاخص‌های حاکمیت جهانی (گروه بانک جهانی) گرفته شده است. نتایج بدست آمده وجود رابطه مثبت بین رشد و نابرابری درآمدی در مدت مورد مطالعه را تأیید کرده است. با این حال، رابطه بین رشد و حاکمیت برای شاخص‌های کنترل فساد و ابراز و مسئولیت تأیید نشده است. این نتیجه شروع بهار عربی را در اکثر کشورهای منطقه توجیه می‌کند. رابطه معکوس، که بدنبال تعیین اثر رشد و حاکمیت بر نابرابری درآمدی در همین نمونه و همین مدت می‌باشد، تنها از طریق متغیر رشد نشان داده شده و همبستگی مثبتی با متغیر نابرابری درآمدی داشته است.

در مطالعات داخلی نیز می‌توان به پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌های توزیع درآمد و حکمرانی خوب به طور مجزا اشاره نمود پروین و زیدی (۱۳۸۰) به بررسی اثرات سیاستهای تعدیل (برنامه‌ی اول توسعه) بر توزیع درآمد پرداخته‌اند. احمدی و مهرگان (۱۳۸۴) نیز در تحقیق مشابهی این اثرات را برای دوره‌ی زمانی ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۹ مورد آزمون قرار داده‌اند. داودی و براتی (۱۳۸۶) به بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران با استفاده از یک شبیه‌سازی خرد برای یک مدل اقتصادکلان سنجی اقدام نموده‌اند. نتایج به دست آمده از این مدلسازی کلان به خرد نشانگر این است که سیاست گذاری‌های دولتی به شدت در بهبود تضعیف نظام توزیع درآمد موثر هستند.

فطرس و معبودی (۱۳۸۷) رابطه‌ی نابرابری درآمدی و نابرابری مخارج مصرفی در ایران را طی دوره‌ی ۱۳۵۸ الی ۸۵ با استفاده از روش داده‌های پانلی بررسی کردند. رضایی (۱۳۸۶) در مطالعه خود اثر حکمرانی خوب بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۱ در ایران را در مقایسه با چند کشور منتخب (چین بزرگ و مالزی) بررسی کرده است. مطالعه‌ی وی نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با کشورهای منتخب در زمینه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی موفق نبوده و نسبت به این کشورها دارای شاخص‌های حکمرانی خوب نمی‌باشد.

علیزاده و عرب (۱۳۸۸) در مطالعه‌ی با عنوان تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی اراه شده در ششمین کنفرانس بین المللی مدیریت، به بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توسعه انسانی بر ۵۷ کشور که از طریق نمونه گیری تصادفی نظام مند انتخاب شده اند با استفاده از داده‌های مقطعی سال ۲۰۰۶ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق بیانگر ارتباط مثبت و تأثیر معنی‌دار حکمرانی بر توسعه انسانی در جوامع مورد مطالعه دارد.

^۱ - Foreign Direct Investment (FDI)

کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۹) در مطالعه‌ی خود تحت عنوان حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب اوپک^۱ و سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی^۲ با استفاده از روش داده‌های تلفیقی در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج مطالعه آنها ارتباط مثبت و معنی‌داری بین شاخص حکمرانی و رشد اقتصادی در هر گروه وجود دارد.

سامتی، رنجبر و محسنی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیل تأثیر حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ با استفاده از داده‌های ترکیبی به بررسی اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی می‌پردازند. نتایج حاصل از تخمین این مدل‌ها نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی خوب از طریق میانگین موزون شاخص‌های حکمرانی محاسبه شده، اثر مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنی‌داری بر شاخص توسعه انسانی^۳ دارد.

ادیب پور و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد به بررسی اثر فساد اقتصادی بر ضریب جینی به عنوان شاخص نشان دهنده توزیع درآمد در دو گروه از کشورهای با درآمد بالا شامل آلمان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، ژاپن و با درآمد متوسط شامل ایران، ترکیه، هند، مالزی و چین، در دوره زمانی (۲۰۱۲-۲۰۰۰) می‌پردازد. نتایج حاصل از برآورد الگوی داده‌های تلفیقی نشان می‌دهد که فساد تأثیر مثبت و معناداری بر ضریب جینی دارد. بدین معنا که با افزایش فساد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها نابرابری اقتصادی افزایش خواهد یافت. افزون بر این نتایج مطالعه ایشان نشان می‌دهد، اثر رشد اقتصادی بر نابرابری درآمد در کشورهای با درآمد بالا منفی و برای کشورهای با درآمد متوسط مثبت است. همچنین مالیات تأثیر منفی بر نابرابری درآمدی بر جای گذاشته در حالی که بیکاری موجب افزایش نابرابری درآمدی می‌شود.

بررسی مطالعات تجربی داخل کشور نشان می‌دهد، در حال حاضر مطالعات محدودی در زمینه محاسبه شاخص‌های حکمرانی خوب و اثر آن بر سایر متغیرهای اقتصادی صورت گرفته است. تفاوت این پژوهش با دیگر مطالعات انجام شده در داخل این است که: ۱. اثر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار گرفته است، ۲. برخلاف مطالعات پیشین که از روش سری زمانی به تخمین و تجزیه و تحلیل ضرایب پرداخته‌اند در این پژوهش از روش داده‌های

^۱ - OPEC

^۲ - Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD).

^۳ - Human Development Index (HDI)

تابلویی تعمیم یافته استفاده شده است، ۳. در این تحقیق اثر شاخص‌های حکومتی، دولتی و بخش خصوصی بر توزیع درآمد را بطور همزمان برای اولین بار در کشورهای منتخب عضو سازمان همکاری اسلامی (او آی سی)^۱ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳- روش تحقیق

روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای بوده و منبع اطلاعات این پژوهش، از داده‌های بانک جهانی^۲ می‌باشد. شایان ذکر است که داده‌های مربوط به ضریب جینی ایران از سری‌های زمانی بانک مرکزی ایران و ضریب جینی برای سایر کشورها از داده‌های نابرابری جهانی^۳ استخراج شده زیرا داده‌های مربوط به ضریب جینی برای ایران، در داده‌های بانک جهانی برای اغلب سال‌ها موجود نیست (لازم به توضیح است به ناچار داده‌های مربوط به ضریب جینی از سری‌های زمانی بانک مرکزی ایران که به سال شمسی می‌باشد به صورت ماه به ماه اخذ شده است و سپس از دی ماه هر سال منطبق بر سال میلادی نسبت به جمع بندی دوازده ماه عملیات انجام گرفته، به طوری که آمارهای اخذ شده از بانک مرکزی ایران را با سال میلادی منطبق و یکسان شده تا امکان مقایسه، تجزیه و تحلیل و اخذ نتایج با مشکل مواجه نشود).

۳-۱- ارئه مدل و معرفی متغیرها

الگوی ارائه شده در مطالعه حاضر به تبعیت از مدل اکرم و همکاران (۲۰۱۱) با هدف بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر توزیع درآمد می‌باشد. در این مدل علاوه بر متغیرهای اصلی، متغیرهای درآمدهای مالیاتی دولت و مخارج دولتی و سهم صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی را نیز به عنوان متغیرهای کنترلی وارد الگو شده‌اند. مدل اقتصادسنجی ارائه شده مبنی بر وجود رابطه خطی بین شاخص‌های حکمرانی خوب و توزیع درآمد است.

$$GINI_{it} = \beta_0 + \beta_1 VA_{it} + \beta_2 GE_{it} + \beta_3 RL_{it} + \beta_4 CC_{it} + \beta_5 PS_{it} + \beta_6 RQ_{it} + \beta_7 G_{it} + \beta_8 TR_{it} + \beta_9 XGDP_{it} + \beta_{10} UN_{it} + \beta_{11} INF_{it} + \mu_t$$

که در این الگو i مقاطع لگاریتم طبیعی و t دوره زمانی می‌باشد.

^۱ - OIC

^۲ - شاخص‌های مورد استفاده در این مقاله از پایگاه اطلاع رسانی داده‌های توسعه بانک جهانی به آدرس زیر استخراج شده‌اند.

" <http://devdata.worldbank.org/query/default.htm>"

^۳ - World Income Inequality Database(WIID)

GINI: ضریب جینی (شاخص توزیع درآمد) VA: حق اظهارنظر و پاسخگویی
 GE: اثر بخشی دولت RL: حاکمیت قانون
 CC: کنترل فساد RQ: شاخص کیفیت قوانین و مقررات
 PS: ثبات سیاسی G: مخارج مصرفی نهایی دولت
 TR: درآمدهای مالیاتی دولت UN: نرخ بیکاری
 INF: نرخ تورم XGDP: سهم صادرات کالاها و خدمات از تولید ناخالص داخلی
 تمامی متغیرهای استفاده شده در مدل فوق به صورت لگاریتمی وارد مدل شده‌اند.
 در جدول (۱) به خلاصه آمارهای شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای مورد مطالعه اشاره می‌گردد.

جدول ۱. خلاصه آمار توصیفی شاخص‌های حکمرانی خوب

شاخص‌های حکمرانی خوب	نماد	میانگین	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
حق اظهارنظر و پاسخگویی	VA	۲۸/۸۱	۷۸/۳۵	۲/۷۱	۱۱/۱۵
اثر بخشی دولت	GE	۴۹/۱۲	۹۲/۰۰	۳/۰۵	۲۰/۵۱
حاکمیت قانون	RL	۲۸/۳۶	۹۷/۵۲	۶/۰۷	۱۷/۲۵
کنترل فساد	CC	۳۶/۹۲	۹۱/۰۴	۴/۵۰	۲۲/۵۸
کیفیت قوانین و مقررات	RQ	۳۴/۵۲	۸۵/۰۰	۳/۰۰	۲۱/۶۳
ثبات سیاسی	PS	۳۷/۵۸	۷۷/۵۰	۳/۵۰	۵۲/۴۵

منبع: یافته‌های تحقیق

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- برآورد مدل پژوهش

در این بخش مقاله به برآورد الگو و تجزیه و تحلیل یافته‌های آماری پرداخته می‌شود. در ابتداء مانایی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد. جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون لوین، لین و چو^۱ استفاده شده است (ابریشمی، ۱۳۸۱).
 این آزمون از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد در داده‌های ترکیبی می‌باشد. در این آزمون فرضیه صفر مبنی بر وجود یک ریشه واحد می‌باشد. خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است.

^۱-Levin, Lin & Chu

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

آزمون لوین، لین و چو (در حالت عرض از مبدأ و روند)				متغیر
با یکبار تفاضل گیری		در سطح		
p-value مقدار	مقدار آماره	p-value مقدار	مقدار آماره	
-	-	۰/۰۰۳۰۸	-۴/۳۶۷۵	GINI
-	-	۰/۰۰۵۱۰	-۴/۷۱۲۴	VA
-	-	۰/۰۰۱۰۴	-۴/۶۴۵۹	GE
-	-	۰/۰۰۱۶	-۴/۷۰۳۷	RL
-	-	۰/۰۰۰۰	-۱۴/۶۵۰۹	CC
-	-	۰/۰۰۰۳	-۲/۷۱۳۲	PS
-	-	۰/۰۰۰۰	-۵/۱۱۵۳	RQ
-۰/۰۲۵۴	-۱/۹۵	۰/۸۸۷۵	-۰/۲۸۹۶	G
-۰/۰۰۰۲	-۳/۶۱	۰/۱۲۲۸	-۲/۰۲۰۲۹	TR
-	-	۰/۰۰۵۴۳	-۴/۳۸۸۳	XGDP
-	-	۰/۰۰۰۰	-۴/۱۹۵۱	UN
-	-	۰/۰۰۰۰	-۴/۲۴۲۸	INF

منبع: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج جدول (۲)، متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی، اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، کنترل فساد، ثبات سیاسی و کیفیت قوانین و مقررات به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب و متغیر سهم صادرات از تولید کالا و خدمات، نرخ تورم و نرخ بیکاری در سطح مانا می‌باشند ($I(0)$)، ولی مخارج مصرفی دولت و درآمدهای مالیاتی دولت با یک بار تفاضل گیری مانا می‌شوند ($I(1)$). حال با توجه به اینکه عمل تفاضل گیری را انجام داده‌ایم، لذا لازم است که رابطه هم‌انباشتگی متغیرها بررسی شود. در این مرحله از تحلیل همجمعی و از آزمون کائو^۱ برای تعیین همجمعی متغیرها استفاده می‌شود.

^۱-Kao

جدول ۳: نتایج آزمون هم جمعی

	t-Statistic	Prob
ADF	- ۷/۸۹۱	(۰/۰۰۰۰)

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد براساس نتایج جدول (۳)، هم انباشتگی یا وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مستقل و ضریب جینی در سطح ۱٪ پذیرفته می‌شود. با توجه به اینکه متغیرها برخی در سطح و برخی با یک بار تفاضل گیری مانا هستند ولی پسماندها در سطح صفر مانا بوده در نتیجه متغیرها در سطح صفر هم انباشته بوده و رگرسیون مذکور کاذب نیست. پس از انجام آزمونهای ریشه واحد و هم‌جمعی لازم است که آزمون‌های تشخیصی مربوطه برای تعیین نوع مدل تخمینی انجام شود. به منظور حصول اطمینان از معنی دار بودن گروه کشورهای عضو نمونه، از آزمون معنی‌دار بودن گروه استفاده می‌شود. بدین منظور از آماره F^1 استفاده می‌شود. اگر آماره F محاسبه شده بزرگتر از F جدول باشد فرضیه H_0 مبنی بر برابری عرض از مبدا حذف می‌شود و بایستی عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. در نتیجه می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد. حال برای پاسخ به اینکه آیا تفاوت در عرض از مبدا واحدهای مقطعی به طور ثابت عمل می‌کند یا اینکه عملکردهای تصادفی می‌توانند این اختلاف بین واحدها را به طور واضح تری بیان کنند، از آزمون هاسمن^۲ استفاده می‌شود. در آزمون هاسمن، فرضیه H_0 مبنی بر سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی در مقابل فرضیه H_1 مبنی بر ناسازگاری تخمین‌های اثر تصادفی مورد آزمون قرار می‌گیرد. اگر فرضیه H_0 رد شود بایستی جهت برآورد از تخمین به روش اثرات ثابت استفاده شود. در غیر این صورت تخمین به روش اثرات تصادفی صورت می‌گیرد. در ادامه مقاله برای هر یک از تخمین‌های مذکور، آزمونهای تشخیصی مربوطه به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

براساس نتایج جدول (۴) فرضیه H_0 مبنی بر برابری عرض از مبداها رد شده و بایستی عرض از مبداهای مختلفی را در برآورد لحاظ نمود. در نتیجه می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده کرد.

¹-Fixed Effects Test

²-Huasman Test

جدول ۴: نتایج آزمون F لیمر

نتیجه	Prob	آماره آزمون	آزمون اثرات
روش پانلی	۰/۰۰۰۰	۵۳/۲۷۱	Section F- Cross

منبع: یافته‌های تحقیق

حال برای مشخص نمودن نوع روش تخمین به لحاظ اثرات ثابت یا تصادفی بایستی آزمون هاسمن مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس نتایج آزمون هاسمن مطابق جدول (۵)، فرضیه H_0 مبنی بر سازگاری تخمین‌های اثر تصادفی در کل کشورهای فوق رد می‌شود و بایستی تخمین به روش اثرات ثابت صورت گیرد.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	Prob	آماره آزمون	آزمون اثرات
روش اثرات ثابت	۰/۰۰۰۰	۷۴/۲۱	Cross-section random

منبع: یافته‌های تحقیق

الگوی تحقیق مورد نظر به صورت زیر می‌باشد.

$$\begin{aligned} GINI_{it} = & \beta_0 + \beta_1 VA_{it} + \beta_2 GE_{it} + \beta_3 RL_{it} + \beta_4 CC_{it} + \beta_5 PS_{it} \\ & + \beta_6 RQ_{it} + \beta_7 G_{it} + \beta_8 TR_{it} + \beta_9 XGDP_{it} + \beta_{10} UN_{it} \\ & + \beta_{11} INF_{it} + \mu_{\tau} \end{aligned}$$

جدول ۶: نتایج برآورد الگو

متغیرها	ضریب	آماره t	انحراف معیار	Prob
Constant	۱۶/۴۰۲	۲۶/۵۴۷	۰/۶۱۷	۰/۰۰۰
VA	-۰/۱۷۲۱	-۵/۱۲۳	۲/۵۸۵	۰/۰۰۰
GE	-۰/۲۸۵۰	-۲/۴۱۴۴	۲/۰۰۸۹	۰/۰۱۶
RL	-۰/۰۴۸	-۴/۹۷۷	۲/۰۰۰۹	۰/۰۰۵

CC	۰/۰۳۲۱۵	۲/۰۸۲۴	۰/۰۱۳۶۶	۰/۰۳۸
PS	-۰/۰۳۴۹	-۸/۹۴۵	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰
RQ	-۰/۰۱۹	-۱/۰۷۲	۰/۰۱۷۹	۰/۲۸۴
G	-۲/۷۳e ^{-۱۰}	-۳/۲۵	۹/۲۹e ^{-۱۱}	۰/۰۰۱
TR	۰/۴۶۵۶	۳/۵۵۸۶	۰/۱۳۰۸۵	۰/۰۰۰
XGDP	-۰/۰۱۳۴	-۱/۷۷۱	۰/۰۰۷۵	۰/۰۷۷
UN	۰/۰۹۱۵	۱/۸۶۲	۴/۹۱۲	۰/۰۶۳
INF	۰/۰۲۸۴	۲/۰۸۲۴	۰/۰۱۳۶۶	۰/۰۳۸۳
R-squared	۰/۹۳۶۷	Mean dependent var		۱۰/۵۶۶
Adjusted R-squared	۰/۹۲۶۸	S.D. dependent var		۱/۷۶۱
S.E. of regression	۰/۴۷۶۴	F- statistic		۹۴/۲۰۵
Sum squared reside	۵۶/۲۹۷	Probe(F-statistic)		۰/۰۰۰
Log likelihood	-۱۷۳/۶۰۱	Durbin-Watson stat		۱/۵۱۲

منبع: یافته‌های تحقیق

۵- بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های تحقیق طبق جدول (۶) می‌توان بیان کرد:

- حق اظهار نظر و پاسخگویی از شاخص‌های حکمرانی خوب تأثیر منفی بر ضریب جینی دارد و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب متغیر فوق ۰/۱۷- می‌باشد که بیانگر این است که، با افزایش یک واحد در شاخص اظهار نظر و پاسخ‌گویی دولت‌ها، ضریب جینی به طور متوسط با ثبات سایر شرایط به اندازه‌ی ۰/۱۷ واحد کاهش پیدا می‌کند. لذا با کاهش ضریب جینی نابرابری درآمد در کشورهای مورد بررسی کاهش پیدا می‌کند. دلیل این امر را می‌توان به این صورت تبیین کرد که با توجه به نقش وسیع دولت‌ها در اقتصاد کشورهای مورد مطالعه و فقدان پاسخگویی از سوی آنها برای اعمال سیاست‌های غلط اقتصادی، موجب افزایش هزینه‌های کسب و کار، کاهش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود و به تبع آن کاهش اشتغال و افزایش بیکاری و تشدید نابرابری را به دنبال خواهد داشت. حال با توجه به چنین شرایطی، بهبود یافتن

این شاخص در کشورهای در حال توسعه مورد بررسی موجب کاهش نابرابری در توزیع درآمد خواهد شد.

- اثربخشی دولت نیز از دیگر شاخص‌های حکمرانی خوب تأثیر منفی بر ضریب جینی دارد و در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب متغیر فوق ۰/۲۸- می‌باشد که بیانگر این است که، با بهبود اثر بخشی و کارایی دولت‌ها به اندازه یک واحد، ضریب جینی به اندازه‌ی ۰/۲۸ واحد کاهش پیدا می‌کند. زیرا با افزایش شاخص اثربخشی دولتی، کارایی دولت در ارائه کالاها و خدمات عمومی، تأمین زیرساخت‌های اقتصادی و تعهدپذیری دولت بر اجرای سیاست‌ها و تنظیم قوانین و مقررات مناسب افزایش یافته در نتیجه نابرابری درآمد کاهش می‌یابد.

- حاکمیت قانون به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های حکمرانی خوب تأثیر معکوسی بر ضریب جینی کشورهای مورد مطالعه دارد و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب متغیر فوق ۰/۴۸- می‌باشد که بیانگر این است که با بهبود حاکمیت قانون به اندازه یک واحد نابرابری در توزیع درآمد به اندازه‌ی ۰/۴۸ واحد کاهش پیدا می‌کند. البته مقدراً ضریب ناچیز ولی سازگار با مبانی نظری می‌باشد ممکن است به دلیل اتخاذ قوانین مناسب و ثبات قوانین در این کشورهای مورد مطالعه باشد.

- کنترل فساد نیز از دیگر شاخص‌های حکمرانی خوب است که تأثیر مثبت بر ضریب جینی دارد و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب متغیر فوق ۰/۳۲- می‌باشد که بیانگر این است که، با کنترل نمودن فساد به اندازه یک واحد ضریب جینی به اندازه‌ی ۰/۳۲ واحد افزایش پیدا می‌کند. لذا با افزایش ضریب جینی نابرابری درآمد در کشورهای مورد بررسی افزایش پیدا می‌کند. نتیجه حاصله مطابق با مطالعات ادیب پور و محمدی (۱۳۹۵)، می و لیو^۱ (۲۰۱۴) و دینسر و گونالپ^۲ (۲۰۱۲) می‌باشد. این نتیجه ممکن است به دلیل اتخاذ سیاست‌های نامناسب برای کنترل فساد باشد که از یک سو موجب ایجاد انحصارات دولتی برای منافع شخص دولتمردان شده و از سوی دیگر به جهت افزایش ناامنی اقتصادی موجبات خروج سرمایه از این کشورها و کاهش درآمد ملی و توزیع نامناسب آنها می‌گردد. البته ضریب این کوچک بوده و تأثیر آن نسبت به سایر شاخص‌های حکمرانی خوب بر توزیع درآمد بسیار ناچیز می‌باشد.

- ضریب شاخص کیفیت قوانین و مقررات بیان می‌کند با افزایش یک واحد در کیفیت قوانین و مقررات میزان نابرابری در توزیع درآمد به اندازه ۰/۱۹ واحد کاهش خواهد داشت. این تخمین

1- Mi and Liu

2- Dincer and Gunalp

با نتایج بدست آمده از مطالعات خسرو آبادی (۱۳۹۵)، شفیق وحق^۱ (۲۰۰۶) و زینب اکرم^۲ (۲۰۱۱) مطابقت داشته و با انتظارات و پیش‌بینی‌ها نیز سازگار است. به این صورت که حمایت از حقوق مالکیت معنوی و داشتن وزارت دادگستری و قوه قضاییه قاطع و مستقل از فشارهای سیاسی موجب کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و افزایش سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و کاهش بیکاری و در مجموع بهبود وضعیت درآمدی اقشار مختلف جامعه در کشورهای مورد مطالعه خواهد شد.

- همچنین ضریب شاخص ثبات سیاسی نشان می‌دهد، با افزایش این شاخص به اندازه یک واحد نابرابری توزیع درآمد به طور متوسط $0/0349$ واحد کاهش می‌یابد و با کاهش ثبات سیاسی ضریب جینی افزایش می‌یابد زیرا بی‌ثباتی سیاسی موجب تضعیف انگیزه پس‌انداز و تقویت مصرف‌گرایی می‌شود که به نوبه خود انگیزه و امکان سرمایه‌گذاری مجدد را تضعیف می‌کند. در چنین شرایطی صاحبان سرمایه ترجیح خواهند داد که سرمایه‌گذاری خود را به آینده موکول کنند و در نتیجه رشد اقتصادی و به تبع آن درآمد ملی و برابری توزیع آن کاهش خواهد یافت به عبارت دیگر هرچه احتمال تغییرات بنیادی در سیاست‌های اقتصادی کمتر باشد، بازده فعالیت‌های اقتصادی بیشتر خواهد بود.

- مخارج نهایی دولت تأثیر منفی بسیار ناچیز ولی معنی‌دار بر ضریب جینی دارد. ضریب فوق^{۱۰} $2/73e^{-10}$ می‌باشد که بیانگر این است که، با افزایش یک واحد در مخارج مصرفی دولت ضریب جینی به اندازه $2/73e^{-10}$ واحد کاهش پیدا می‌کند، لذا نابرابری درآمد کاهش پیدا می‌کند. این نتیجه با تئوری سازگار است چرا که نشان می‌دهد مخارج مصرفی دولت‌ها با اهداف توزیع درآمدی آنها به عنوان یکی از اهداف اساسی این کشورهای اسلامی سازگار بوده و سیاست‌های هزینه‌ای دولت‌ها در جهت عدالت اقتصادی می‌باشد. نتیجه فوق با نتایج مطالعات هولزner^۳ (۲۰۱۰)، فلاحتی و همکاران (۱۳۸۸) و خداپرست و داودی (۱۳۹۲) مطابقت دارد ولی با مطالعات رهبر و همکاران (۲۰۱۳)، رضایی و همکاران (۱۳۹۲) و نادمی و حسوند (۱۳۹۴) هم‌سو نمی‌باشد. البته ضریب این متغیر نزدیک به صفر بوده و تأثیر آن بر توزیع درآمد بسیار ناچیز می‌باشد.

- درآمدهای مالیاتی دولت تأثیر مثبت بر ضریب جینی این کشورها دارد و در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب متغیر فوق $0/46$ می‌باشد که بیانگر این است که، با افزایش یک واحد در درآمدهای مالیاتی دولت‌های مورد مطالعه و با فرض ثبات سایر شرایط نابرابری در توزیع

3- Shafique and Haq

2- Akram

3- Holzner, Mario. (2010)

درآمد به طور متوسط به اندازه ۰/۴۰ واحد افزایش می‌یابد. نتیجه بدست آمده با نتایج مطالعات بیرد^۱ (۲۰۰۵)، خوانزادی و مرادی (۱۳۹۳) همخوانی داشته و با نتایج مطالعات برتوتی و مودنس^۲ (۲۰۱۴)، آدام، کاماس و لپاتیناس^۳ (۲۰۱۵) مطابقت ندارد. دلیل اثر مثبت درآمدهای مالیاتی دولت بر نابرابری توزیع درآمد در نوع مالیات‌های دریافتی توسط دولت‌ها نهفته است. این موضوع نشانگر آن است که سیستم مالیاتی در این کشورها از کارایی لازم برخوردار نبوده و مالیات عموماً همانند کشور ما از حقوق بگیران دریافت می‌شود و عمده افراد با درآمدهای هنگفت از فراریان مالیات می‌باشند. که منجر به افزایش نابرابری در توزیع درآمد می‌شود.

- سهم صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی بر ضریب جینی این گروه از کشورها دارد. ضریب متغیر فوق ۰/۱۳- می‌باشد که بیانگر این است که، با افزایش یک واحد در سهم صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی ضریب جینی به طور متوسط به اندازه ۰/۱۳ واحد کاهش پیدا می‌کند. نتیجه حاصله مطابق با مطالعات جلالی و گرگینی (۱۳۹۲)، گوندلاچ و دوال^۴ (۲۰۱۲) و مارتینز و ولمر^۵ (۲۰۱۲) بود و با نتایج مطالعات مسچی و ویوارلی^۶ (۲۰۱۲) و پیرحیاتی و همکاران^۷ (۲۰۰۹) متفاوت می‌باشد. این مسئله را می‌توان چنین تفسیر نمود که با افزایش صادرات کالا و خدمات که در نتیجه‌ی تولید بیشتر در جامعه اتفاق می‌افتد با افزایش اشتغال و کاهش بیکاری، همچنین با تخصیص بیشتر درآمدهای صادراتی در جهت توزیع مناسب‌تر درآمد، نابرابری توزیع درآمد در کشورهای منتخب مورد مطالعه کاهش می‌یابد.

- افزایش نرخ تورم در سطح اطمینان ۹۵ درصد، تأثیر مثبت و معنی‌داری بر افزایش نابرابری توزیع درآمد داشته است. به عبارت دقیق‌تر هر یک درصد افزایش در نرخ تورم، منجر به افزایش ۰/۰۲۸ واحدی ضریب جینی در اقتصاد ایران شده است. در خصوص دلیل تأثیرگذاری تورم بر افزایش نابرابری توزیع درآمد می‌توان اینگونه توضیح داد که افزایش نرخ تورم از یک طرف منجر به کاهش درآمد حقیقی گروه‌های با درآمد ثابت همچون کارمندان و کارگران می‌شود و از این رو سطح رفاه این گروه‌ها کاهش می‌یابد اما از طرف دیگر افزایش نرخ تورم به معنای افزایش بازدهی دارایی‌های ثابت همچون مسکن، زمین و طلا است پس افزایش تورم منجر به افزایش ارزش دارایی‌های ثابت ثروتمندان می‌شود و بنابراین نتیجه نهایی تورم افزایش ثروت ثروتمندان

1- Bird

2- Bertotti and Modanese

3- Adam, Kammas and Lapatinas

4- Gundlach & de Vaal(2010)

5- Martínez & Vollmer(2010)

6- Meschi & Vivarelli(2008)

7- Pirhayati, L. Raghfar, H. Fotros, M. (2009).

و کاهش درآمد حقیقی گروه‌های با درآمد ثابت است. این نتیجه با مطالعات نادمی و حسونند (۱۳۹۴)، خانزادی و همکاران (۱۳۹۳) و گالی و واندر هون^۱ (۲۰۰۱) هم خوانی دارد.

- براساس یافته‌های جدول (۵) نرخ بیکاری اثر مثبتی بر ضریب جینی این گروه از کشورها دارد. ضریب این متغیر ۰/۰۹ می‌باشد که بیانگر این است که، با افزایش در نرخ بیکاری نابرابری در توزیع درآمد افزایش می‌یابد. این نتیجه با مبانی نظری سازگار می‌باشد، زیرا درآمد حاصل از کار مهمترین منبع درآمدی گروه‌ها و خانوارهای فقیر می‌باشد و نرخ بیکاری بالا وضعیت گروه‌های درآمدی پایین را بدتر می‌کند. این نتیجه با نتایج حاصل از مطالعات مهرآرا و محمدیان (۱۳۹۳)، نادمی و حسونند (۱۳۹۴) و ادیب پور و محمدی (۱۳۹۵) مطابقت دارد. ولی با نتایج حاصل از مطالعه خسرو آبادی (۱۳۹۵) مطابقت ندارد.

در مجموع این تحقیق اثر شاخص‌های حکومتی، دولتی و بخش خصوصی بر توزیع درآمد را بطور همزمان مورد مطالعه قرار می‌دهد. با توجه به یافته‌های تحقیق به منظور ایجاد برابری درآمد در بین کشورهای مورد مطالعه می‌توان گفت تمامی شاخص‌های حکمرانی خوب بجز شاخص کنترل فساد دارای ضریب منفی بوده و بهبود آنها موجب کاهش نابرابری در توزیع درآمد خواهد شد.

۵-۱- پیشنهادات سیاستی

- با توجه به ارتباط منفی و معنادار بین شاخص شفافیت و پاسخگویی و میزان ضریب جینی، به منظور افزایش برابری در توزیع درآمد، اعطایی مجوز فعالیت گروه‌ها و تشکیلات سیاسی و اجتماعی و رسانه‌های جمعی از جمله روزنامه‌ها و سایت‌ها و شبکه‌های تلویزیونی خصوصی بیشتر از گذشته را می‌توان توصیه کرد. زیرا موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی مدیران دولتی در مورد سیاست‌های اجرایی و در نهایت کاهش در نابرابری توزیع خواهد شد.

- با عنایت به رابطه معکوس بین شاخص ثبات سیاسی و نابرابری در توزیع درآمد، در کشورهای مورد مطالعه کاهش خشونت و درگیری‌های جناحی، ترور و کودتا را می‌توان به منظور افزایش توزیع درآمد توصیه نمود.

- با توجه به تأثیر مثبت شاخص مبارزه با فساد بر نابرابری توزیع در این کشورها، توصیه می‌گردد در مورد راه‌های مبارزه با فساد بازنگری صورت گیرد. زیرا از یک طرف مبارزه نادرست منجر به ایجاد ناامنی اقتصادی در جامعه و خروج سرمایه از آن می‌گردد و از طرف دیگر فساد به مثابه نیروی عملکرد مناسب بازارها دچار آسیب می‌کند و موجب انحراف در تخصیص منابع ملی

1- Galli, R., & van der Hoeven, R. (2001).

و عمومی به سوی منافع گروهی و فردی می‌شود که حاصل آن افزایش تبعیض و نابرابری درآمد و عدم توزیع برابر امکانات و منابع ملی خواهد بود.

- با عنایت به تأثیر مثبت مخارج نهایی دولت‌ها بر توزیع برابر درآمد، سیاست‌های هزینه‌ای دولت‌ها که شامل هزینه‌های انتقالی نیز می‌شود، در راستای بهبود توزیع درآمد در این کشورها بوده و این سیاست‌ها بایستی در کشورهای منتخب اسلامی مورد مطالعه تقویت گردند.

- با توجه به تأثیر مثبت کارایی و اثربخشی دولت‌ها بر توزیع درآمد پیشنهاد می‌شود نسبت استفاده‌ی بهینه از منابع در راستای دستیابی به توسعه پایدار و با هدف کاهش نابرابری درآمد در تمام کشورهای مورد بررسی اقدام شود.

- با عنایت به اینکه سهم صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی اثر منفی بر نابرابری توزیع درآمد دارد لذا پیشنهاد می‌گردد با افزایش درآمدهای صادراتی کالا و خدمات موجبات توزیع مناسب درآمد در کشورهای مورد مطالعه را فراهم آورند.

- اجرای سیاست‌های همزمان کاهش نرخ بیکاری و نرخ تورم به نوبه خود موجب توزیع عادلانه درآمد در کشورهای مورد مطالعه خواهد شد.

منابع

- ابریشمی، حمید. (۱۳۸۱). *اقتصادسنجی کاربردی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ادیب‌پور، مهدی و محمدی ویایی، آزاده. (۱۳۹۵). اثر فساد اقتصادی بر نابرابری توزیع درآمد، *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۴ (۱۴)، ۱۶۸-۱۵۳.
- احمدی، علی محمد و مهرگان، نادر. (۱۳۸۴). تأثیر سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر توزیع درآمد در ایران. *تحقیقات اقتصادی*، ۷۰، ۲۰۹-۲۰۳.
- رضایی، مهدی. (۱۳۸۶). تأثیر حکمرانی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۶)، ۱۰۴-۸۵.
- رضایی، اسعداله؛ حسینزاده، جواد؛ فرامرزی، ایوب و یزدانخواه، منصوره. (۱۳۹۲). تأثیر اندازه دولت بر توزیع درآمد در ایران. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۱ (۴)، ۳۶-۲۱.
- سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت. (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱ (۴)، ۲۲۳-۱۸۳.

- سلاطین، پروانه. (۱۳۸۸). *تاثیر شیوه حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب (OPEC و OECD)* (رساله دکتری، دانشگاه آزاداسلامی واحد علوم تحقیقات).
- شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ امیری، بهزاد و سارای‌گل، سارا. (۱۳۹۵). *نهادها و برابری درآمد (مطالعه موردی: کشورهای منتخب عضو جنبش عدم تعهد). فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۱۴)، ۱۵۳-۱۶۸.*
- علیزاده، محسن و عرب، محبوبه. (۱۳۸۷). *تاثیر حکمرانی خوب بر توسعه انسانی. ششمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت.*
- فلاحی، علی؛ الماسی، مجتبی و آقایی، فاطمه. (۱۳۸۸). *تأثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی. فصلنامه جستارهای اقتصادی، ۶(۱۱)، ۱۰۹-۱۳۱.*
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه. (۱۳۸۹). *بررسی تاثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگر، ۷(۲۰)، ۲۷-۴۱.*
- خانزادی، آزاد؛ حیدریان، مریم و مرادی، سارا. (۱۳۹۳). *بررسی و تحلیل نقش و اثرات درآمدهای مالیاتی بر توزیع درآمد و توسعه انسانی مطالعه موردی کشور ایران. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، ۱۱(۴)، ۱۳۵-۱۵.*
- جلالی، عبدالمجید و گرگینی، مصطفی. (۱۳۹۲). *بررسی تجارت خارجی بر توزیع درآمد بین هریک از دهک‌های درآمدی شهری ایران. مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ۲۰(۵)، ۴۸-۶۸.*
- کیانگ، چو؛ داوودی، حمید و سانجیو، گوپتا. (۱۳۸۱). *سیاست‌های مخارج اجتماعی دولت و مالیات‌ها و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه. ترجمه محسن کلانتری. مجله پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۰(۲۳)، ۱۵۱-۱۰۱.*
- مهرآرا، محسن و محمدیان، محسن. (۱۳۹۳). *بررسی عوامل موثر بر توزیع درآمد در اقتصاد ایران با رویکرد بیزین. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۹(۶۱)، ۸۳-۱۱۶.*
- نادمی، یونس و حسنونند، داریوش. (۱۳۹۴). *اثرات آستانهای اندازه دولت بر نابرابری توزیع درآمد در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، ۲۰(۳)، ۱۴۳-۱۲۵.*
- Adam, A., Kammas, P., & Lapatinas, A. (2015). Income inequality and the tax structure: Evidence from developed and developing countries. *Journal of Comparative Economics*, 43(1), 138-154.

- Akram, Z., Wajid, S., Mahmood, T., & Sarwar, S. (2011). Impact of poor governance and income inequality of poverty in Pakistan. *Far East Journal of Psychology and Business*, 4(3), 43-55.
- Barro, R. J., & Sala-i-Martin, X. (1995). *Economic growth*. New York: McGraw-Hill.
- Blejer, M.I., & Guerrero, I. (1990). Impact of macroeconomic policies on income distribution: An empirical study of the Philippines. *Review of Economics and Statistics*, 72(3), 414-423.
- Bird, M., & Zolt, M. (2005). Redistribution via taxation: The limited role of the personal income tax in developing countries. *UCLA Law Review*, 52(1), 5-22.
- Buse, A. (1982). The cyclical behaviour of the size distribution of income in Canada: 1947-78. *Canadian Journal of Economics*, 15(2), 189-204.
- Chong, Alberto, and Mark Gradstein. *Inequality and institutions*. No. 506. Working Paper, Inter-American Development Bank, Research Department, 2004.
- Dincer, O. C., & Gunalp, B. (2012). Corruption and v United States. *Journal of Contemporary Economic Policy*, 30(2), 283° 292.
- Galli, R., & van der Hoeven, R. (2001). *Is inflation bad for income inequality: The importance of the initial rate of inflation*. Employment paper 2001/29. International Labor Organization.
- Gustafsson, B., & Johansson, M. (1999). In search of smoking guns: what makes income inequality vary over time in different countries?. *American Sociological Review*, 64(4), 585-605.
- Gundlach, E., & De Vaal, A. (2010). *Look before you leap: the economics of free trade and income redistribution* (No. 1583). Kiel Working Paper.
- Haggard, S., MacIntyre, A., & Tiede, L. (2008). The rule of law and economic development. *Annu. Rev. Polit. Sci.*, 11, 205-234.
- Holzner, M. (2010). *Inequality, growth and public spending in central, east and southeast Europe*. Verein Wener Inst. für Internat. Wirtschaftsvergleiche (WIIW).
- Knack, S. F. (Ed.). (2003). *Democracy, governance, and growth*. University of Michigan Press.
- Sarwar Lateef, K. (1991). Comment on Governance and Development, by Boeninger. *The World Bank Economic Review*, 5(suppl_1), 295-298.

- Landell-Mills, P., & Serageldin. I. (1992). Governance and the External Factor. In *Lawrence Summers and Shekhar Shah, eds., Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics 1991*. Washington, D.C: World Bank.
- Bertotti, M. L., & Modanese, G. (2014). Micro to macro models for income distribution in the absence and in the presence of tax evasion. *Applied Mathematics and Computation*, 244, 836-846.
- Martinez-Zarzoso, I., & Vollmer, S. (2010). Bilateral trade flows and income-distribution similarity. *Working Papers on International Economics and Finance*.
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth, *Quartely Journal of Economics*, 110 (3), 681-712.
- Meschi, E., & Vivarelli, M. (2008). Trade and income inequality in developing countries. *World Development*, 37(2), 287-302.
- Mi, Z., & Liu, Q. (2014). Income inequality, fiscal redistribution, and governmental corruption: Evidence from Chinese provincial data. *Journal of Developing Areas*, 48(4), 119-137.
- Mushtaq, H. (2009). *Governance, growth and poverty reduction*. DESA Working Paper, 75, 1-17. ST/ESA/2009/DWP/75.
- Oueslati, A., & Labidi, M. (2015). Growth, inequality and governance: A case of mena countries. *SSRG International Journal of Economics and Management Studies*, 2(2), 28.
- Pirhayati, L., Raghfar, H., & Fotros, M. (2009). The effect of foreign trade on poverty indicators. *Journal of Agricultural Economics*, 1, 1-12 (in Persian).
- Shafique. S., & Haq, R. (2006). Governance and income inequality. *The Pakistan Development Review*, 45(4), 751-760.
- World Bank. (2003). *Better governance for development in the Middle East and North Africa*. Retrieved from <http://www.worldbank.org/wbi/governance/about.htm#approach>
- World Bank. (2008b). *Worldwide governance indicators (WGI)*. The World Bank Institute, Washington, DC.